

حلقه‌های پیوسته براندازی

جریان‌ها - پایدار یا ناپایدار - تابعی از اندیشه‌ها و افکار جریان‌سازان خود خواهند بود. از این رو، گرایش جریان‌سازان به حق یا باطل و یا گرایش آنان به هر سمت و سوی فکری، به طور مستقیم در جهت‌دهی به جریان‌ها تأثیر می‌گذارد. بدیهی است برای هر جریانی سه مرحله را می‌توان در نظر گرفت که عبارتند از:

۱. نقطه شروع ۲. خط سیر و امتداد ۳. نقطه پایان.

نقطه آغاز یک جریان، اندیشه و آرمانی است که در ذهنیت جریان‌سازان رقم می‌خورد و آنان را برمی‌انگیزاند تا در صدد راه‌اندازی آن جریان بپرند. جریان سر می‌زند تا آرمان‌های پدید آورندگان خود را تحقق بخشد و به اندیشه آنان جامه عمل بپوشاند. حدت و شدت جریان، بستگی تمام به بُرد و توان اندیشه و انگیزه‌های دارد که جریان را پدید آورده است و در خط سیر و تداوم آن تا رسیدن به نتیجه مورد نظر، نقش مهم و برجسته ایفا می‌کند. از طرفی، ماندگاری جریان نیز به همین اندیشه و انگیزه وابسته می‌باشد. هر اندازه که اندیشه و انگیزه قوی‌تر و راسخ‌تر و ماندگارتر باشد، جریان پایدارتر خواهد بود. پاره‌ای از جریان‌ها نیز به ناچار برای حفظ ثبات و ماندگاری خود، متکی به خرده جریانهایی هستند که آن‌ها نیز به نوبه خود اهدافشان را در پناه جریان اصلی دنبال می‌کنند.

شاخص‌ها و معیارهایی که یک جریان را از سایر جریان‌ها متمایز می‌گرداند، عبارتند از:

۱. رهبری جریان: اختلاف و صف‌آرایی جریان‌ها در برابر یکدیگر، قبل از این که به محتوا و ساختار جریان‌ها برگردد، به رهبری جریان‌ها مربوط می‌شود. رهبران جریان‌ها، پیرو عواملی و از جمله آرمان، انگیزه، تصویر و یا کیش شخصیت خویش، جریانهایی را به تصویر می‌کشاند و یا مورد حمایت قرار می‌دهند که به ماندگاری‌شان کمک کند. در این میان، رهبری یک جریان؛ انعکاسی از جریان و به عکس، جریان بازخوردی از کیش شخصیت و فکر و اندیشه رهبران آن است.

۲. اصول مواضع جریان: هر جریانی بر اصول مواضع خاصی پای می‌فشارد. سلسله اصول مواضع یک جریان و به تعبیری مانیفست آن، همچون آرمان‌های یک جریان، در نظر پدید آورندگان و پیروان آن بسیار مقدس و ارزشمند تلقی می‌شود، به گونه‌ای که حتی در مواردی،

اینان از جان و دارایی خود می‌گذارند؛ اما از اصول مواضع خود هرگز. از آن گذشته، تمام هستی یک جریان، به اصول مواضع آن وابسته است، به گونه‌ای که اگر اصول مواضع جریان را نادیده بگیرند و یا حذف کنند، گو این که خود جریان را نادیده گرفته‌اند و حذف کرده‌اند.

۳. سوگیری‌های جریان: سوگیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، اعتقادی، مذهبی و...؛ بیانگر چیستی و چگونگی و چرایی جریان‌هایی است که در هم‌سویی و هم‌گرایی یا ستیز و معارضة با یکدیگر، خود را نمایان می‌سازند.

۴. تحرک و جنب و جوش‌های جریان: بستگی به کمیت و کیفیت فعالیت‌ها، افت و خیزها و جنب و جوش‌هایی که از جریان‌ها سر می‌زند، زمینه‌تمايز آن‌ها از یکدیگر فراهم می‌آید.

۵. هواداران جریان: هر جریانی براساس آرمان‌ها و جاذبه‌های جریان‌پردازان، همچنین بر پایه سلسله اصول مواضع خود، افرادی را با گونه‌های شخصیتی خاصی به سمت و سوی خود جذب می‌کند که در اغلب موارد همراهی خود را با جریان متبوع در گفتار و رفتار به منصفه ظهور می‌رسانند.

ذره ذره آنچه در ارض و سماست جنس خود را همچو کاه و کهرباست جریانهایی از جنس سیاسی، فرهنگی، اعتقادی با توجه به عوامل پنج‌گانه فوق، تابعی از حق یا باطل خواهند بود. تشخیص این مهم البته مستلزم تشخیص دقیق حق از باطل است. نخست به فرموده مولی امیرالمؤمنین علیه السلام؛ باید حق و باطل را شناخت، سپس جریان‌ها و هواداران آن‌ها را با معیار حق و باطل محک زد. انقلاب اسلامی ایران، هنوز به پیروزی قطعی و نهایی خود نرسیده بود که در حواشی خود، شاهد بروز و ظهور جریان‌های فکری و سیاسی به واقع منحرف بود که برخی از آن‌ها حتی به حسب ظاهر، خود را اسلام‌گرا و هم‌سو با انقلاب اسلامی معرفی می‌کردند. به مرور زمان و در راستای سهم‌بری و رانت‌خواهی، بسیاری از جریان‌های مزبور، نیمه پنهان خود را آشکار ساختند و از در ستیزه‌جویی با نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبر آن برآمدند، تا سرانجام در مقابل اراده آهنین امام و امت متلاشی گردیدند. جریان‌های متلاشی شده، اما در فرصت‌های بعدی، در اثر غفلت

و تساهل و تسامح و احیاناً تغافل برخی از مسئولان سیاسی - اجرایی کشور، به بازیابی و بازسازی خود پرداختند. در مرحله بازگشت مجدد و حضور دوباره در عرصه سیاست، با بهره‌گیری از اندوخته‌ها و تجربه‌های پیشین، آموخته بودند تا اولاً باید ناهم‌سوئی و معارضة‌های ظاهری و لفظی را کنار گذاشته و به هم‌سوئی اندیشید و ثانیاً باید در ستیز با نظام و فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، به اقدامات براندازانه روی آورد. جریان موسوم به «حلقه کیان» که در واقع نوعی گردهمایی و هم‌اندیشی چندین جریان معارض و معاند به شمار می‌رفت، در پناه لطف و مرحمت دولت سازندگی و با امکانات دولتی، در پایان عمر دولت مزبور و در آستانه دولت دوم خرداد، ابتدا در عرصه فکر و فرهنگ و اندیشه و سپس در عرصه سیاست و اجرا ظاهر گشت. «حلقه کیان» با برخورداری از نظریه‌پردازان جنگ‌های روانی و طرح دیدگاه‌های بنیان‌برافکن، نظام اسلامی را به چالش کشید و عرصه را برای تهاجم فرهنگی دشمن فراهم آورد؛ تهاجمی که به شیخون فرهنگی دامن زد و سرانجام سر از ناتوی فرهنگی از جانب دشمنان انقلاب اسلامی درآورد. به شکرانه الهی پیرو رهنمودهای بیدارگرانه و هشدار دهنده مقام معظم رهبری و بیداری امت اسلامی و با روی کار آمدن نیروهای اصولگرا و معتقد به گفتمان امام علیه السلام تا حدود زیادی هجمه دشمنان داخلی و خارجی، دفع شد، که این خود سرآغاز راه است. همه قشرها به ویژه نسل جوان ما، باید همچنان با الهام از نورافشانی‌ها و بیدارگری‌های مقام رفیع ولایت، گردنه‌های پر فراز و نشیب و در تیسرس تلاطم‌ها را، یکی پس از دیگری با افتخار تمام طی نمایند تا به حول و قوه الهی بسطاط حلقه‌های برانداز و جریان‌های انحرافی برچیده شود و انقلاب اسلامی تا ظهور دولت کریمه، به سلامت هر چه تمام به مسیر خود ادامه دهد.

یاران «فرهنگ پویا» همت و توان خود را به کار بستند تا آن‌جا که میسر است، پرده از نیمه پنهان برخی از جریان‌های برانداز برکشند. باشد تا از این رهگذر بار دیگر گامی در راستای تحقق منویات امام و شهدا بردارند و رهنمودها و توصیه‌های مقام معظم رهبری را جدی بگیرند.

مدیر مسئول